

Abstract

The jurisprudential strategy of enjoining the good and forbidding the evil are practical practices that are among the most important religious duties, and have a special place in the religion of Islam. With the correct implementation of this strategy, a healthy society will be created, far from ugliness and crimes, because enjoining the good and forbidding the evil is the basis of a healthy social education, and also does not leave the individual and society with the public sensitivity to sin. Go to slavery and fall and it is applicable in any situation. This important strategy, by influencing all stages of crime formation, its effect on reforming society, preventing and preventing the occurrence of crimes, as well as its dominance over all social relations, has caused it to have an important place in Islamic criminology. Considering that the mechanism of enjoining the good and forbidding the evil in its nature is based on prevention and public supervision, and has also been considered in non-religious writings, we decided in this article to make a comparative study between this jurisprudential strategy and the theory of broken windows to analyze. Let us pay attention to the differences and gaps in this theory by adapting to the jurisprudential method of enjoining the good and forbidding the evil.

Keywords : Crime, supervision, jurisprudential strategy of enjoining the good and forbidding the evil, the theory of broken windows

بررسی تطبیقی راهبرد امر به معروف و نهی از منکر با تئوری پنجره های شکسته در سیاست جنایی

ثریا قنبری کرمانشاهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۵

سید محمد شفیع مازندرانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۱

علیرضا عسگری^۳

چکیده:

راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر، دوراهبرد عملی هستند که از مهمترین واجبات دینی بوده، و در دین مبین اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار میباشند. با اعمال صحیح این راهبرد جامعه ای سالم و به دور از زشتی ها و جرایم به وجود خواهد آمد، زیرا امر به معروف و نهی از منکر، زمینه ساز تربیت سالم اجتماعی است و نیز با حساسیت عمومی که در برابر گناه دارد، فرد و جامعه به سوی بی بندوباری و سقوط پیش بروند و در هر شرایطی نیز قابل اجرا است. این راهبرد مهم با تاثیر گذاری بر تمام مراحل شکل گیری جرایم، اثر آن در اصلاح جامعه، ممانعت و پیشگیری از وقوع جرایم و نیز تسلط آن بر تمام روابط اجتماعی، سبب شده است که از جایگاه مهمی در جرم شناسی اسلامی برخوردار باشد، لذا با توجه به این که ساز و کار امر به معروف و نهی از منکر در ماهیت خود مبتنی بر پیشگیری و نظارت همگانی است، و نیز در تالیفات غیر دینی مورد توجه قرار گرفته است، مصمم گردیدیم در این نوشتار ضمن بررسی تطبیقی بین این راهبرد فقهی و تئوری پنجره های شکسته به تحلیل پردازیم و وجوه افتراق و خلاء های موجود در این تئوری را با انطباق باراهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر بیان نماییم.

واژگان کلیدی: جرم، نظارت، راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر، تئوری پنجره های شکسته

^۱ دانشجوی دکتری، گروه الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ دانشیار گروه الهیات فقه مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران نویسنده مسئول

^۳ دانشیار گروه الهیات فقه مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مکتب انبیای الهی و به خصوص دین مبین اسلام، نگرش جامعه‌گرایی را تقویت می‌کند. یکی از شاخصه‌های اساسی در سنجش جامعه‌گرایی مشارکت مردم در امور اجتماعی است. چنین مشارکتی، نیازمند آگاهی آنان از اهمیت این مشارکت در حل معضلات، به ویژه معضلات اجتماعی در حوزه بزهکاری است. از طرفی مبارزه با بزهکاری مبتنی بر سیاست مشارکت، علاوه بر هزینه‌های کمتر معقولانه و ساده‌تر است. سیاست جنایی ای موفق هست که بتواند از تمامی روش‌های قانونی موثر، در مبارزه با جرم نیز بهره بگیرد. بعلاوه ایجاد و استفاده از اهرم‌های مکمل در کنار قوه قضائیه و پلیس، به طرح‌های سیاست جنایی، اعتبار و قدرت می‌دهد. لذا دین اسلام می‌کوشد به گونه‌ای انسان را تربیت کند که در همه مراحل زندگی به کل انسان‌ها به خصوص مسلمانان توجه داشته باشد.

از طرفی مواجهه خردمندان با کج‌روی و آسیب‌های اجتماعی همواره یکی از دغدغه‌های متولیان سلامت و امنیت جامعه بوده است. در این میان نقش بازدارندگی دین نیز، در کانون توجه متفکران اجتماعی و سلامت قرار داشته است. اسلام برخلاف متفکران غربی که به دین بیشتر یک نگاه کارکردی دارند، معتقد است دین فقط کارکرد دنیوی نداشته و به توجیه سرخوردگی‌ها نمی‌پردازد، بلکه کلتی است که به ترسیم سعادت دنیوی و اخروی می‌پردازد و بر رابطه انسان با خود و دیگران و جهان طبیعی و اجتماعی پیرامون او متمرکز است، یکی از راهبردهای اساسی سیاست جنایی اسلام در مقابله با جرائم و انحرافات و پیشگیری از وقوع آنها راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر است، این راهبرد مهم از با اهمیت‌ترین برنامه و تدابیری است که اسلام برای مشارکت عمومی مردم در امر پیشگیری از جرم بر اساس اندیشه کنترل اجتماعی و نظارت افراد در سطح جامعه نسبت به عملکرد یکدیگر در جهت رعایت هنجارها تدارک دیده است، این نوع نظارت، غیر رسمی‌ترین نوع نظارت است که توسط شهروندان عادی در محل سکونت یا در جاهای دیگر صورت می‌گیرد. با این اوصاف راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در ساخت جامعه سالم، آرام و فارغ از هرگونه جرم نقش بسزایی ایفا می‌کند. نقش و تأثیر این راهبرد فقهی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در راستای قدرت بازدارندگی دین در برابر جرم است. امر به معروف و نهی از منکر با نقش پیشگیرانه و کنترلی که در برابر معضلات اجتماعی دارد سبب می‌شود امنیت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی با کمترین هزینه ممکن در جامعه ایجاد گردد. این راهبرد با سالم‌سازی محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند او را از ورود به حیطه جرم باز می‌دارد و در واقع به‌عنوان عواملی اساسی در پیشگیری اولیه می‌باشد و با کاهش موقعیت‌هایی که انسان را در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهد در واقع یک پوشش اجتماعی برای محافظت از انسانهاست. و اگر نباشد سبب از بین رفتن وحدت اجتماعی و انحطاط ارزش‌های انسانی می‌شود. با توجه به نقش ارزنده و مهم راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در زندگی دنیوی و اخروی به این نتیجه می‌رسیم که نگرش الهی بر اساس هدایت انسان‌ها به سوی سعادت است و کلیه دستورات این کتاب مقدس برای راهنمایی بشر با هدف جلوگیری از سقوط به حیطه گمراهی و ضلالت است، به همین دلیل تبعیت از آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت محیط‌های اطراف انسان‌ها دارد. در حالی که با نگاه سطحی به سایر نظریه‌های جرم‌شناسی میتوان نواقص زیادی از آنها استخراج نمود چرا که این نظریه‌ها از در ذهن بشر شکل گرفته است ولی راهبرد امر به معروف و نهی از منکر از ذات الهی نشأت گرفته است و خالی از هرگونه نقص و ایراد می‌باشد.

۱-۱. مسئولیت اجتماعی انسانها

در عالم هستی به روشنی متوجه می شویم که همه موجودات و اشیاء دارای مسئولیت هستند و چیزی یا کسی نیست که بار مسئولیت به دوش نکشد و به خود واگذار شده باشد. به طور کلی اگر پدیده ای از عالم کائنات، آنی از وظیفه خود سر باز بزند و بار مسئولیت خویش را از دوش نهد، همه نظام به هم می خورد و بسیاری از موجودات نابود می شوند. انسان موجودی اجتماعی یا به تعبیر دیگر مدنی بالطبع است. چرا که بدون ارتباط با سایر انسانها امکان بقای حیات او وجود ندارد اگرچه این تنها انسان نیست که زندگی اجتماعی دارد اما تنها موجودی است که با اراده و اختیار و از سر عقل و تدبیر زندگی اجتماعی خویش را سامان می دهد. لذا تفاوت مسئولیت سایر موجودات، جماد، نبات، حیوان، افلاک و غیره با انسان در این است که مسئولیت آنها جبری و بر حسب عالم تکوین است، حتی موجودات مجرد مانند ملائکه نیز به گونه ای مجبورند ولی، مسئولیت انسان با انتخاب و اختیار او است. خداوند تبارک و تعالی در سوره انسان آیه ۳ می فرماید: "ما راه حق و باطل را به انسان نشان دادیم حال می خواهد هدایت بپذیرد و مسئولیت هایش را انجام دهد یا کفران نعمت کند." از طرفی هر چند زندگی اجتماعی متضمن فواید و ثمرات بسیاری برای انسان است اما گاهی همین امر میتواند آسیب های فراوانی را نیز بدنبال داشته باشد زیرا شخصیت انسان حاصل تاثیر و تاثیری است که از تعامل با دیگران می پذیرد لذا شقاوت بدبختی و سقوط او میتواند ناشی از عملکرد افرادی باشد که در حوزه تعامل او واقع میشوند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، ۸۲-۸۱) بنابراین همه ذرات هستی دارای مسئولیت هستند و بدیهی است انسان که سرآمد عالم آفرینش است، مسئولیت سنگینی دارد. لذا انسان همواره در تلاش است و یاد می گیرد که چگونه در جمع زندگی کند و در عین حال نیازهای خود را تأمین نماید؛ همچنین در جریان این یادگیری آموخته است در اجتماع، نمیتواند دیگران و انتظارانشان را نادیده بگیرد. این موضوع بنیان مسئولیت پذیری اجتماعی را مهیا میسازد و مفاهیمی چون مسئولیت پذیری دیگر خواهی و نوع دوستی اهمیت حضور دیگری را در جامعه تفهیم نموده و در راستای تقویت وجدان فردی و جمعی عمل میکنند.

یکی از موضوعاتی که در تمام عرصها میتواند در هر جامعه ای یک فرصت باشد، موضوع مسئولیت اجتماعی است که ما در قبال جامعه خود و دیگران داریم. شاید بتوان در جوامع غربی که فرد گرایی ترویج میشود بیان نمود که دخالت افراد جامعه در نحوه عملکرد یکدیگر توجیهی ندارد، اما این امر به هیچ وجه در اسلام پذیرفته نیست در منطق اسلام سرنوشت افراد به یکدیگر کاملاً گره خورده است و بی تفاوتی افراد نسبت به عملکرد یکدیگر برابر است با بی تفاوتی و عدم توجه نسبت به سرنوشت خویش. با توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، افراد جامعه باید حاضر در جامعه و ناظر اعمال دیگران بوده و نباید نسبت به ترک واجبات و ترک محرمات بی تفاوت باشند. اینان در ترویج اخلاق و فضایل معنوی و کمالات دینی تلاش می کنند و دیگران را از ورود به ورطه گناه و جرم باز می دارند. در این حالت، پیشگیری عمومی و همه جانبه در مقابل جرایم وجود می آید. پیامبر اسلام (ص) در این زمینه ضمن بیان بسیار شیوا می فرماید: "همه شما مسئول یکدیگرید و در مسئولیت های یکدیگر شریکید." (مجلسی، ۱۳۹۳، ج ۷۲، ۳۸) حال از نظر نویسنده اولاً: حتی بر فرض مشترک نبودن سرنوشت انسانها با هم باز هم لزوم اجرای امر به معروف و نهی از منکر

منطقی می‌باشد چرا که اگر محیط زندگی و اجتماعی که افراد در آن هستند الوده باشد هرچه انسان تلاش کند تا خود سازی انجام دهد و افکار خود را پاک نگه دارد و رفتارهای فردی خود را بصورت درست اعمال نماید بازهم با مشکل روبه رو خواهد شد زیرا انسان در عین لزوم معاشرت باهم نوعان خود که شرط بقای او است به تنهایی قادر نخواهد بود در خود سازی و رسیدن به سعادت و آرامش موفق باشد. ثانیاً: اگر انسان‌ها در برابر هم احساس مسئولیت نکنند بحث در مورد مشارکت افراد در سیاست جنایی بحثی بی فایده است چرا که راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر تجلی گاه مشارکت اجتماعی افراد است و زمانی می‌تواند قابلیت اجرا پیدا کند که افراد نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نمایند. از این رو باید گفت یکی از ارکانهای مهمی که زمینه ساز اجرای درست امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد ایجاد بحث فرهنگ سازی به منظور افزایش احساس مسئولیت در افراد یک جامعه می‌باشد.

۲-۱. ولایت مومنان بر یکدیگر

از جمله نوع خاصی از مسئولیت اجتماعی که اسلام آن را پذیرفته است و اصرار خاصی بر چنین رابطه‌ای نموده است بحث ولایت مومنان بر یکدیگر است. این نوع ولایت به گونه‌ای است که در آیاتی که به بحث امر به معروف و نهی از منکر آمده ابتدا به این نوع ولایت شده و بعد آن اشاره به این نهاد اسلامی شده است بر مبنای این ولایت همه مومنان فارغ از مقام، منصب، و موقعیتشان نوعی حق و تکلیف متقابل را نسبت به یکدیگر بر عهده دارند قرآن کریم در سوره توبه میفرماید: "و مردان و زنان مومن بعضی از ایشان اولیاء بعض دیگرند. امر به معروف میکنند و از نهی باز میدارند، نماز به پامیدارند و زکات میپردازند و خداوند و رسولش را اطاعت میکنند آنها را خدا به زودی مشمول رحمت خود میکند که خدا مقتدری شایسته است." طبق این آیه تمام مردان و زنان مومن دوستان یکدیگرند و بین آنها رابطه مودت و دوستی وجود دارد لذا مبنای امر به معروف و نهی از منکر بر اساس انگیزه محبت و عشق و علاقه ایمانی است که افراد در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر احساس میکنند به همین لحظ نمیتوان در مقابل کوچکترین لغزش و انحراف یکدیگر بیتفاوت باشند. (مطهری، ۱۳۷۶، ۲۷)

همینطور جالب این است که در مسئله امر به معروف و نهی از منکر شارع مقدس خود برای توجیه دخالت مومنین در امور یکدیگر دلیل می‌آورد که چیزی نیست جز "ولایت مومنین بر یکدیگر" به عبارت دیگر امر به معروف و نهی از منکر برای دخالت در امور دیگران و آنکه بتواند به دیگری تذکر بدهد و یا عملاً جلوی معصیت را بگیرد باید نوعی ولایت و قدرت قانونی برایش جعل و اعتبار شود که طبق این آیه خداوند چنین ولایت و قدرتی را به مردان و زنان مومن داده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۴۴-۴۵) بنابراین مبنای وجود این اصل ولایت مومنین است که تمام قواعد حقوقی به ولایت الهی منتهی میشود. از نظر نویسندگان ولایت بین مومنین از یک وجه دیگر قابل توجیه است بدین شرح که در جامعه اسلامی که هدف آن تعالی انسانهاست و همه مومنین بایکدیگر برادر بوده و برهم ولایت دارند حق هر انسان مومنی است که در صورت انجام خطا یا تکرار عامدانه یک گناه از سوی دیگر مومنین ارشاد یا بازخواست شود تا بتواند با تصحیح افکار یا عمل خود در مسیر حیات طیبه قدم بردارد زیرا خصوصیت مهم راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر دلسوزانه و مشفقانه بودن آن است.

از دیدگاه قرآن، حاکمیت بر انسان منحصرأ از آن خداوند است و پذیرفتن هرگونه ولایت و حاکمیتی بدون اذن خداوند ممنوع است. خداوند این حاکمیت را با دو سازوکار اعمال می‌کند: نخست از طریق قانونگذاری و اعمال ولایت تشریحی و دوم از طریق حاکم و جانشین در زمین. بدیهی است حاکم در نظام حکومتی اسلام باید ویژگی‌هایی داشته باشد که مهم‌ترین آنها علم به شریعت، ایمان و التزام عملی به آن و عدالت ورزی است. این ویژگی‌ها، حاکم را از هرگونه استبداد به رای و سوء استفاده از قدرت باز می‌دارد و حاکمیت او را محدود و منضبط می‌کند. افزون بر این، حاکم موظف به مشورت با مردم است و مردم نیز مأمور به کنترل و نظارت بر رفتار حاکمان هستند. چنین حاکمیتی تمام توان خود را برای گسترش ارزش‌های معنوی، اقامه عدل و قسط و مساوات، توسعه و پیشرفت همه جانبه و بالاخره جلوگیری از ظهور موقعیت‌های جرم‌زا و منحرف‌کننده به کار خواهد گرفت. بنابراین، مسئولیت حاکمیت دینی نسبت به پیشگیری از جرم و انحراف، یک مسئولیت الهی و برخاسته از معنویت‌گرایی است.

حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه می‌فرماید: "ای مردم، همانگونه که من بر شما حقی دارم، شما نیز بر من حق دارید. حق شما بر من آن است که همواره در رهنمودهای خالصانه نسبت به شما بکوشم. و در تأمین رفاه در زندگی همگانی، تمامی وسایل ممکن را فراهم سازم. و در تربیت و تعلیم همگان در سطح گسترده کوتاه نیایم. و در نظارت بر رفتار و کردار شما پیوسته هوشیار و هشیار دهنده باشم. و اما حق من بر شما آن است که در پیمان خود نسبت به ولی امر وفادار باشید، و در کاستیها و ناهمگونیها که أحياناً پیش می‌آید، خالصانه پیش قدم شوید، در حضور و غیاب دولتمردان در رفع و تذکر دادن به مسئولین مربوط بکوشید. و دستورات صادره را در تمامی ابعاد سیاستگذاری دولت، با جان و دل پذیرا باشید. و هرگاه در پیش آمده‌افرا خوانده شوید، بی‌درنگ اجابت کنید."

از نظر نویسنده مردم باید از طرق گوناگونی در اداره یک کشور نقش داشته باشند و یکی از این راهها امر به معروف و نهی از منکر است چرا که اگر افراد نسبت به کشور و محیط اجتماعی خود بی تفاوت باشند و احساس مسئولیت نکنند آن مفهوم مشارکت و همکاری و حل جمعی مشکلات که از اصول مهم در برطرف کردن مشکلات و جرایم هست محقق نمیگردد لذا بی تفاوتی افراد نسبت به سرنوشت اجتماعی و مشکلات موجود در سطح جامعه سبب سوق پیدا کردن جامعه بسوی تباهی میگردد در حالی که اگر افراد مردم نسبت به کشور و عملکرد مسئولان خود احساس مسئولیت کنند با تذکرات بموقع خود به مدیران جامعه سبب برطرف شدن مشکلات و ایجاد محیط سالم و امن میگردد. یکی از ویژگی‌های جامعه سالم، وجود افرادی در جامعه است که به سرنوشت دیگر انسان‌ها بی تفاوت نباشند و در اصلاح و تربیت دیگران کوشا باشند.

از نظر قرآن، بهترین امت کسانی‌اند که به این دو واجب الهی اهمیت می‌دهند. همچنین وجود دستوراتی مثل مکلف کردن پیامبر اکرم (ص) و سایر مسائلی که در این حوزه وجود دارد همه نشان از نقش اساسی مردم در حکومت اسلامی است.

انسجام اجتماعی و فرهنگی وقتی تحقق می‌یابد که اشتراکات ملی، بر همه اشتراکات محلی اولویت یابد، در عین حال که فرد فرد مردم، در مفهوم یک «ملت» به همه اشتراکات محلی بخش سرزمین، عمیقاً و با درک و درایت احترام بگذارند. این ضرورت، آنگاه جدی‌تر و حساس‌تر می‌شود که مرزهای سیاسی، دقیقاً بر مرزهای قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی منطبق نباشد. به بیان دیگر، وقتی بیرون زدگی‌ها و فرورفتگی‌های فرهنگی و اجتماعی شامل قومیت، زبان، مذهب، رسوم و سنن در مرزهای رسمی و سیاسی، نمود داشته باشد، نیاز به عوامل انسجام بخش و همبستگی آفرین ملی، بیشتر محسوس و ضروری است. اگر انسجام فرهنگی اجتماعی نباشد، یک جامعه با وجود همه تعارض‌های فوق‌الذکر هر لحظه فرو می‌پاشد. بنابراین، انسجام فرهنگی و اجتماعی را موقعیتی تعریف کرده‌اند که در آن همه افراد جامعه با تعهدات مشترک اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر پیوند می‌خورند. این تعهدات مشترک اجتماعی در وهله نخست، حفظ مفهوم «ملت»، «منافع ملی» و «قلمرو ملی» است. همچنین انسجام فرهنگی اجتماعی، در واقع برپایه تمرکز و تغلیظ اشتراکات فرهنگی و ملی فراتر از زبان‌های محلی و رسوم قومی و حتی نژاد و مذهب و... به وجود می‌آید.

ژرژ پیکا جامعه شناس فرانسوی می‌گوید: "در جوامعی که فرد گرایی مطلق ترویج داده می‌شود دخالت افراد جامعه در امور یکدیگر توجیهی ندارد در نتیجه این جوامع با تکثر گرایی یا چند فرهنگی مواجه می‌شوند که باعث تضعیف قانون می‌شود... این وضعیت در جوامع اسلامی متفاوت است زیرا قواعد شریعت در این جوامع حاکم است". لذا وقتی که در جامعه انسجام فرهنگی و اجتماعی وجود داشته باشد میتوان از راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه استفاده نمود و نسبت به ناهنجاری‌ها واکنش نشان داد. بنابراین اگر افراد جامعه صرف از قومیت، نژاد، فرهنگ خود راملت واحد بدانند براحتی میتوانند با انسجام و وحدت بین خود مشکلات اجتماع را حل نمایند در غیر این صورت تعصبات قوی و قبیله ای سبب از بین بردن وحدت و انسجام بین افراد جامعه میگردد و در نهایت جامعه روبه تباهی پیش میرود. (مالک، ۱۳۹۸، ۵۶) امر به معروف و نهی از منکر در واقع یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است زیرا اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را از هم متلاشی می‌سازند بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها بازدارند و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد سوم، ۳۴)

۲) کارکردهای جرم شناختی امر به معروف و نهی از منکر

نظریات مختلفی که وجود دارد چه در عرصه جرم شناختی و چه در عرصه پیشگیری از جرم هر کدام به نوعی به یک جنبه از راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارند و یک ویژگی از ویژگی‌های این راهبرد فقهی را متجلی میکند.

از نظر نویسنده با توجه به اینکه این راهبرد توسط خدای متعال وضع شده و نیز به دلیل علم بی‌نهایت الهی از جامعیت و کاملیت برخوردار است و نه تنها در بر گیرنده تمام نظریات و تئوری‌های غربی است بلکه جنبه‌های متعدد دیگر علاوه بر آنها را داراست لذا همین نکته سبب برتری این راهبرد نسبت به سایر نظریات دیگر است. هر کدام از این نظریات بعد از گذشت مدتی تجربه و آزمایش با ایراداتی مواجه می‌گردند و به تنهایی

نمی‌توانند سبب کاهش جرایم و مشکلات اجتماعی گردند ولی دین اسلام با ارائه راهبردی مثل امر به معروف و نهی از منکر هم به بیان علت جرایم و هم پیشگیری و کاهش آنها می‌پردازد.

۲-۱. مبارزه با بی‌نظمی‌های کوچک به منظور پیشگیری از جرایم

راهبرد امر به معروف و نهی از منکر در نگاه ابتدایی به دنبال این است که بتواند حتی با بی‌نظمی‌های خرد مبارزه کند مثلاً وقتی در حالت رانندگی هستیم به رانندگی غلط راننده دیگر واکنش نشان می‌دهیم این واکنش از یک طرف نسبت به این رفتار کوچک فرد مقابل می‌باشد ولی در نگاه عمیق‌تر دنبال این مطلب هستیم که به فرد خاطی این نکته را نشان دهیم که چنین رفتاری می‌تواند باعث بروز عواقب بدتر همچون تصادف باشد و با این تذکر حداقلی از بروز حوادث بزرگتر جلوگیری کنیم. این نوع کارکرد امر به معروف و نهی از منکر را در نظریه جرم‌شناسی پنجره‌های شکسته می‌توان مشاهده کرد.

این نظریه ابتدا بصورت عام به برقراری نظم و پیشگیری از اعمال مجرمانه یا غیر مجرمانه را مدنظر قرار می‌دهد که استمرار آنها موجب بروز بینظمی و ارتکاب جرایم بزرگ می‌گردد دوم پلیس و نیروی انتظامی را بعنوان حافظ نظم تلقی می‌کند که مانع هرگونه جرم و بی‌نظمی می‌شوند. لذا یادشدن تخلف، خواه عنوان مجرمانه داشته باشد و خواه جرم‌انگاری نشده باشد و در حد یک انحراف باشد، سبب احساس بینظمی در محله و جامعه می‌شود؛ یعنی حس عدم کنترل باعث می‌شود که افراد احساس به خود رها شدگی و بی‌تکلیفی پیدا کنند و همین بی‌نظمی است که بزهداری را ایجاد می‌کند.

در دهه هشتاد میلادی، اجرای سیاست پنجره‌های شکسته در شهرهای مختلف کشور آمریکا میزان جرم را پایین آورد طبق نظریه پنجره‌های شکسته جرایم کوچک که موجب برهم زدن نظم عمومی می‌شوند مقدمه‌ای برای ارتکاب جرایم مهمتر هستند و اگر به نظم عمومی یک محله توجه نشود فضای مساعدی برای ارتکاب جرایم مهم به وجود می‌آورد چراکه این جرایم کوچک یکی از منابع احساس ناامنی و اضطراب شهروندان هستند و بطور کلی نظم عمومی مقدمه‌ای برای ایجاد امنیت است. این نظریه که به دنبال بررسی نقش اختلال شهری در رفتارهای ضد اجتماعی و افزایش جرم است در سال ۱۹۸۲ توسط جیمز کیو و ویلسون و جرج آل کلینگ معرفی شد جرج کلینگ و جیمز ویلسون در مقاله بسیار معروفی با عنوان پنجره‌های شکسته، پلیس و امنیت محله‌ها این دیدگاه را مطرح کردند، آنها بر این باور که غفلت‌های کوچک، همچون بر جای گذاشتن یک پنجره شکسته و تعبیه نشده گویای پیام زوال و بی‌تفاوتی است که موجب تشویق رفتارهای ضد اجتماعی بسیار زیادی می‌شود و این مسئله سرانجام بر جرم و جنایت‌های بزرگ‌تر می‌انجامد. یک پنجره شکسته نشده و تعمیر نشده خود نشانه‌ای از این است که هیچ‌کس نگران نیست و بنابراین پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه‌ای نخواهد داشت (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲: ۱۸۱) مطابق این دیدگاه احساس ترس از جرم در محله صرفاً به دلیل جرایم خشونت‌آمیز نیست بلکه نابهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص گرایانه چون اعتیاد، ولگردی، و تکدی‌گذاشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی اند به نوبه خود قطعاً زمینه رواج گسترده جرائم را نیز فراهم می‌نمایند (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲: ۱۷۹) این دیدگاه به حال خود رها نمودن افراد می‌تواند منجر به انهدام کنترل اجتماعی گردد. یک محله باثبات که در آن خانواده‌ها مراقب خانه‌ها بوده و اطفال یکدیگر را کنترل کرده و با خاطر آرام در برابر متجاوزان می‌آشوبند در عرض چند سال و یا حتی چند ماه می‌تواند به قهقرای رها کردن جرائم کوچک، کیفیت زندگی را پایین آورده و فرهنگی را به وجود می‌آورد که

زمینه ساز جرائم بزرگتر و جدی تر است (مک آردل . ارزن ، ۲۰۰۱ : ۱۹) دیدگاه پنجره های شکسته بصورت گسترده ای در کانون توجه پلیس در سراسر آمریکا قرار گرفت و انتقادات زیادی هم از این دیدگاه شده است (الیسون و همکاران ، ۲۰۱۰ : ۵۲۴)

در اجتماع یعنی بمنظور پیشگیری طبق این نظریه بهترین راه این است که به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکن برخورد لازم صورت گیرد زیرا وقتی چنین برخوردی صورت نمیگیرد به این معنا است که در جامعه کنترلی وجود نداشته و میتواند باعث تحریک سایر مردم بویژه انهایی باشد که نیت و انگیزه مجرمانه ای نیز دارند . در سالهای بعدی دکتر زیملباردو روان شناس امریکایی دانشگاه استنفورد در یک آزمایشی به دنبال اثبات این نظریه بود وی در آزمایش خود دو خودرو را در محیط های مختلف قرار داد یک خودرو را در یک منطقه فقیر نشین قرار داد و خودروی دیگر را در منطقه ثروتمند نشین قرار داد . در منطقه فقیر نشین بعد از چند ساعت فقط اسکلت ای از آن باقی ماند ولی در منطقه دیگر هیچ اتفاقی نیفتاد تا اینکه خود آزمایش گران یک شیشه ماشین را شکستند و به محض شکسته شدن شیشه بقیه نیز اقدام به تخریب آن ماشین نمودند . این نظریه زیملباردو علاوه بر اثبات نظریه فوق این نظریه را نیز ثابت مینمود که علاوه بر اینکه جرم میتواند هرج و مرج و ناهنجاری ایجاد کند بی نظمی نیز میتواند به بروز جرم بینجامد . طبق تئوری پنجره های شکسته وقتی نظم عمومی در اثر ارتکاب جرایم خرد مختل شود میتوان با کنترل آنها بی نظمی اجتماعی و ترس مردم را کنترل نمود و بستر مناسب برای رشد جرایم بزرگتر را کنترل و اداره نمود .

وجود ارتباطی قوی بین بی نظمی و ترس ، اجرای قانون خیابان توسط پلیس ، تفاوت در قواعد به تناسب هر محله ، فرو ریختن کنترل های اجتماعی در اثر بی نظمی های ناخواسته ، آسیب پذیر شدن محله های بدون کنترل اجتماعی درونی ، بروز مجدد شیوه های غیر رسمی کنترل رسمی با حفظ نظم توسط پلیس ناشی شدن رفتارهای ناهنجار از جمع شدن افراد بیکار ، وجود ظرفیت های مختلف در محله های مختلف برای مدیریت بی نظمی از جمله اصول اساسی تئوری میباشند . (سیاست جنائی در جرایم خرد و تاثیر آن بر احساس امنیت شهروندان با تکیه بر نظریه پنجره های شکسته ، نوروزی)

از طرف دیگر وقتی نهاد امر به معروف و نهی از منکر را بررسی میکنیم به خوبی میتوان به این کار کرد رسید وقتی نسبت به یک موضوعی نهی از منکر صورت میگیرد علاوه بر اینکه نسبت به یک جرم و انحراف در هر سطحی واکنش مناسب داده شده و نشان از فعال بودن آن جامعه و وجود نظارت در سطح اجتماع است بلکه میتوان به نوعی از مقدمه جرائم دیگر نیز جلوگیری نمود . بطور مثال وقتی نسبت به یک فرد بی حجاب ثابت میشود که افراد این محله یا جامعه نسبت به ارزش های خود هو شیوار هستند بلکه در مرحله بعدی نسبت به ارتکاب جرم های بعدی نیز جلوگیری میکند . در مثال یاد شده این جلوگیری از جرایم دیگر هم میتواند نسبت به فرد بیحجاب باشد که پارافراتر نگذاشته و به سمت برهنگی نرود هم نسبت به جرایم کلان دیگر مثل جرایم جنسی نسبت به این فرد که محرک ای لازم را دارد جلوگیری میکند . همچنین اینگونه واکنش میتواند این پیام غیر مستقیم را برای سایر افراد داشته باشد که اگر آنها چنین تفکری را در ذهن خود دارند که مدل های بی حجابی را نیز امتحان کنند با چنین واکنشی مسلماً دیگر به فکر انجام چنین کاری نخواهند بود البته این مورد را میتوان نسبت به جرایم دیگر مثل سرقت ، جرایم خشن ، زد و خورد ، دعوای محلی و ... نیز تعمیم داد و در اکثر جرایم کاربرد خواهد داشت زیرا در این حالت که امر به معروف و نهی از منکر نیز

چنین کارکردی دارد عوامل زمینه های ارتکاب جرم مورد هدف است و با برخورد درست با این زمینه ها زمینه ارتکاب جرم از بین می‌رود .

به عبارت دیگر جرایم کوچک و پیش پا افتاده زمینه وقوع جرایم دیگر را فراهم میکند زیرا این جرایم نشان دهنده آسیب و محل مناسب برای انجام جرم به بزهکاران است به همین خاطر یکی از راههای جلوگیری از شیوع جرم در محله ها ، مبارزه با جرایم خرد و نیز اعاده و برقراری مقررات در جامعه است ، با اجرای درست این راهبرد فقهی در سطح جامعه وظیفه کنترل نظارت که صرفا بر عهده پلیس میباشد در جوامع اسلامی بر عهده مردم نیز قرار داده شده ، و آنها نیز کنار نیروهای پلیس موظف به کنترل و نظارت میباشند در واقع در جوامعی که راهبرد امر به معروف و نهی از منکر به درستی اجرا شود تک تک افراد ان جامعه به همدیگر نیز پیام را منتقل میکنند که سرنوشت و عاقبت افراد مربوط به همدیگر میباشد .

۲-۲. برقراری کنترل اجتماعی در جامعه

یکی دیگر از کارکردهایی که با اجرای درست این راهبرد در جامعه خود را به درستی نشان میدهد کنترل اجتماعی است همانطور که اشاره شد با اجرای این نهاد توسط مردم و حتی نهاد های حاکمیتی افرادی که از مرحله پیشگیری اجتماعی عبور کرده و به هر دلیلی اندیشه مجرمانه در آنها شکل گرفته است به نوعی کنترل را بر رفتار خود میبینند که نتوانند آنچه را که در ذهن خود دارند به مرحله عمل برسانند. کنترل اجتماعی یا کنترل های مستقیم اعمال شده از سوی ابزارهای محدودیت ها و مجازات ها میباشند یا کنترل درونی اعمال شده از طریق وجدان میباشد و یا کنترل غیر مستقیم مرتبط با همانند سازی عاطفی با پدر و مادر و دیگر اشخاص نامجرم نسبت به افراد میباشد .

طبق این قاعده جوانان متعلق به گروه بزهکار یا کاملاً آزادی داشتند یا اصلاً آزادی نداشته و محدود بودند (ولد ، ۱۳۹۲ ، : ۲۷۶-۲۷۷) باید یاد اور شد بزهکاران منکر ارزش های اخلاقی نیستند بلکه ان ها را در یک مجموعه گسترده قرار میگیرند و در واقع این حس بی مسولیتی ایجاد شده در بزهکاران باعث ارتکاب جرم توسط ان ها میشود به عبارت دیگر وقتی که این حس بی مسولیتی و بی عدالتی ایجاد میشود سبب میشود که التزام اخلاقی به قانون سست شود فرد (بویژه جوانان) در یک سرگردانی خاصی قرار میگیرد اما اگر کنترل اجتماعی وجود داشته باشد باعث میشود فرد از میان مجموعه ای از اعمال بزهکاری یا قانونی یکی را انتخاب نماید در واقع وقتی فرد احساس میکند که کنترلی بر روی زندگی او ندارد و سرنوشت در انتظار اوست برای تغییر وضعیت دست به اقدام میزند تا بتواند کاری بکند و تغییری روی دهد . این حالت درماندگی خود میتواند زمینه ای برای ارتکاب جرم باشد . لذا مهمترین عنصر بستگی اجتماعی همبستگی است (ولد ، ۱۳۹۲ ، ۲۸۳) یعنی داشتن محبت و حساسیت نسبت به دیگران که در این زمینه میتوان به بحث مبانی امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد که مبتنی بر محبت نسبت یگدیگر است شاید یکی از دلایل اصلی اهمیت نظارت و کنترل اجتماعی نیز وجود همین محبت است . وقتی در جامعه افراد برادر یکدیگر محسوب شده و نسبت به هم محبت دارند این نظارت و کنترل اجتماعی که میتواند در قالب راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد از روی محبت بوده و در صورت نهادینه شدن این محبت و فرهنگ چنین کنترلی فضولی و دخالت تلقی نشده و فرد نهی شونده یا امر شونده نیز ان را در راستای خیر خود تلقی میکند .

یکی از علل اصلی در پیشگیری از ارتکاب جرایم توسط انسانها این است که جرم توسط انسانها یاد گرفته میشود در این صورت باید بتوان الگوهای مطمئنی در جامعه در نظر گرفت در این صورت از طریق امر به معروفی که در فضای خانواده یا فضای دوستان نسبت به فرد صورت میگیرد و فرد بسمت یادگیری رفتار درست از الگوهای سالم رهنمون میشود و رفتارهای بهنجار و قانونی را یاد میگیرد لذا نه تنها میتوان رفتار را از طریق مشاهده یاد گرفت بلکه واکنش های هیجانی مانند ترس و شادی را نیز میتوان بر مبنای روش جانشینی شرطی کرد. همچنین از طریق نهی از منکر که نسبت به فرد صورت میگیرد وی یاد میگیرد که ارزش های جامعه تخطی ناپذیر بوده و افراد جامعه نظارت کافی نسبت به کارهای یکدیگر را دارند در واقع نهی از منکر در چنین حالتی نمودی از مجازات و امر به معروف میتواند تجلی گر پاداش در یادگیری اجتماعی باشد.

از طرف دیگر اگر جامعه، جامعه ناسالم بوده و به دلیل ترک امر به معروف و نهی از منکر افراد شرور جامعه بر فضای جامعه حاکم شدند یادگیری صورت گرفته، در واقع یادگیری رفتارهای ناهنجار خواهد بود که در جامعه وجود دارد. از نظر نویسنده برای اصلاح مجرم وی را باید جامعه پذیر کرد یعنی ادب اجتماعی و روش های زندگی اجتماعی را بشخص باید اموخت این امر یک مسیر زنجیره ای دارد و از خانواده شروع میشود. در جامعه پذیر کردن فرد مدرسه، محله، دوستان، سربازی، محیط کار، اوقات فراغت، محیط دوستان و... هر کدام یک وظیفه مادی و وظیفه اجتماعی دارند. مثلاً خانواده هم وظیفه تغذیه طفل را دارد هم وظیفه تربیت او را و همین طور سایر قسمت ها زنجیره ای وظیفه خود را دارند. و یکی از ابزار های بسیار مهم در جهت انجام وظایفشان امر به معروف و نهی از منکر است. از طریق این راهبرد و کارهایی که در قالب آن صورت میگیرد و با استفاده از فرایند آموزش و یادگیری میتوانند در رشد و پرورش افراد و اجتماعی کردن آنها گام موثری برداشت.

از نظر نویسنده وقتی افراد جامعه یک مد نهی شده رادر جامعه مشاهده میکنند و این مد و الگو در حال گسترش در جامعه است و برخلاف ارزش های اجتماع است میتوان از طریق نهی از منکر که انجام میدهند قبل از فراگیر شدن آن مد و الگو به راحتی مقابله نمایند زیرا وقتی اگر در سطح اجتماع همه گیر شود بعنوان یک ارزش مثبت در جامعه تلقی میشود در این صورت مبارزه با آن دشوار میگردد.

۲-۴- تلاش برای جلوگیری از معاشرت های مجرمانه

یکی از تلاش های امر به معروف و نهی از منکر این است که از طریق نظارت و اعمال کنترل به این صورت که افراد در گروه هایی رفتار کند که از اعضای گروه ارتکاب عمل مجرمانه را یاد بگیرد جلوگیری نماید. این راهبرد ضمن اعمال کنترل هایی برای جلوگیری از چنین معاشرت هایی میتواند از طریق تذکرات و خیر خواهی های دوستانه وهم سالان نسبت به هم از ایجاد چنین فضاهایی پیشگیری کند. این راهبرد بر پایه ارزشهای اساسی یک جامعه اسلامی صورت می گیرد و به مثابه ابزاری پیشگیرانه در وقوع جرایم و جلوگیری از آسیبهای اجتماعی در جامعه خواهد بود. اهمیت پیشگیری از جرم به سبب هدفی است که از اجرای آن دنبال می شود. از بین بردن زمینه های بزهکاری خود، مقدمه ای برای نیل به سعادت حقیقی است. از این رو پیشگیری از جرم در جهت این هدف غایی از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است.

با راهبرد نهی از منکر هرگاه نهی، ناهنجاری، یا ضد ارزشی صورت گیرد به فرد هشدار داده میشود که در جامعه نسبت به این رفتار دید منفی وجود دارد و فرد نباید این اعمال را انجام دهد لذا به فرد کمک میکند تا در انتخاب محیطها و گروههای خود دقت نماید. از نظر نویسندگان به توجیه به تاثیر گروهها در یادگیری افراد باید این نکته را در نظر داشت که میتوان از فضاهای دوستانه استفاده کرد و اقدام به تولید و گسترش ارزشها نمود یعنی میتوان با استفاده از راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در گروهها و در ارتباط هایمان با سایر افراد نسبت به ترویج این راهبرد مهم اقدام نمود چرا که این راهبرد میتواند ابزاری باشد برای اعضای گروه تا بتواند فرهنگ صحیحی را ایجاد کند و در اعضای خود نهادینه کند و اگر عضوی هم نتواند خود را با این فرهنگ تطبیق دهد میتواند از طریق نهی از منکر نسبت به هدایت وی اقدام نمود.

نقد تئوری پنجره های شکسته از نظر نویسنده:

۱. بین میزان رضایت از پلیس و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد در واقع کسانی که رضایت بیشتری از پلیس دارند اعتماد بیشتری به پلیس در راستای تامین امنیت خود دارند و ترس کمتری را احساس میکند (علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵ش، ۱۲۲/۲۲) در تئوری پنجره های شکسته نظارت بر بی نظمی های کوچک همیشه توسط پلیس صورت میگیرد و پلیس با کوچکترین بی نظمی مبارزه میکند برخورد آنها بر پایه خشونت است نه مذاکره و گفتگو که اولاً سبب جانب گرایانه شدن این تئوری میگردد با این توضیح که اهرم قدرت فقط در دست افراد پلیس و وابستگان به آنها قرار میگیرد، نظریه پنجره های شکسته معتقد به انضباط اجتماعی ناشی شده است و توسط کسانی ارائه شده که در دستگاه پلیس خدمت میکنند و با رویکرد پلیسی و انضباطی به مسائل نگاه میکند بعد شهروندان و سیاستمداران که از این نظریه پشتیبانی کردند که معروف به سیاستمداران نظم و قانون بودند. یعنی افراد محافظه کاری که با ابزار انضباط اجتماعی اهداف سیاسی و فکری خود دنبال میکردند. لذا شبهه مهم این اصل جانب گرایانه بودن آن است. از نظر نویسندگان از آنجاکه پلیس به عنوان متولی نظم و امنیت در جامعه بوده و باید با خوش رفتاری، خویشتن داری و تکریم مردم در صدد جلب اعتماد افراد جامعه باشد زیرا وظیفه نیروی پلیس ایجاد آرامش مردم در سطح جامعه است اما اگر رفتار پلیس در برقراری نظم افراطی گردد مثلاً با بازرسی های غیر ضروری خودرو شهروندان نه تنها آرامش را ایجاد نمیکند بلکه احساس دلزدگی و نگاه منفی در افراد ایجاد میکند، دخالت پلیس بی حد و مرز باشد سبب ایجاد حس ترس و ناامنی در جامعه میگردد و زمینه ساز کاهش تعامل شهروندان با جامعه و نهاد پلیس میگردد و بنابراین هرچه بسمت سیاست جنایی متوازن بدون آنکه امنیت گرا باشد پیش رفت به شهروندان حس مصونیت و امنیت میدهد چراکه سیاست جنایی امنیت گرا خود ممکن است به یک عامل ترس و ناامنی و تعرض تبدیل گردد (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۰)

ثانیاً همین موضوع سبب میشود که وقتی افراد جامعه عملی مجرمانه حتی کوچک و در حد یک بی نظمی انجام دهند بخاطر برخورد خشونت آمیز نیروهای پلیس دچار حس ترس و اضطراب شده و این ترس و اضطراب سبب ایجاد حس دوری افراد از نیروهایی که حافظ امنیت آنها هستند شود و همچنین سبب ایجاد حس دورویی و بی مسئولیتی در افراد نسبت به پلیس میگردد یعنی افراد صرفاً بخاطر ارباب ایجاد شده دست به ارتکاب جرم نمیزنند ولی هر جا که حضور پلیس را احساس نکنند مرتکب عمل مجرمانه میشوند. با یاد گفت که ترس از جرم نوعی اضطراب منطقی یا غیر منطقی است که در نتیجه استنباط فرد در معرض خطر بزه

دیدگی پدید می‌آید (warr&Mark,2000:453) اما همین ترس از جرم اگر به شکل افراطی و غیر منطقی وجود داشته باشد باعث از بین رفتن اعتماد به نفس درماندگی انسان و منفعل شدن وی و یا در مقابل موجب شکل‌گیری واکنش‌های کنترل‌نشده و هیجانی می‌گردد. بی‌حسی و ناتوانی در برابر مشکلات ایجاد می‌گردد، احساس عدم امنیت در اقصای مختلف جامعه بوجود می‌آید سبب حالت پریشانی، سردرگمی، رویکرد منفعل، کاهش فعالیت‌های اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی، شکل‌گیری جامعه امنیتی با این توضیح که اقدامات نظارتی جامعه به تدریج جامعه را تبدیل به دژ می‌کند که اعضا و مکان‌های آن همواره با چشم‌های حقیقی و مجازی زیر نظارت مستقر قرار دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸) و در نهایت آنها منزوی می‌گردند (محسنی ۱۳۷۸: ۴۷) ترس از جرم و احساس ناامنی در جامعه نقش مهمی در سوق دادن افکار عمومی بسمت رویکردهای سرکوب‌گرایانه و افراطی نسبت به جرم دارد در واقع ترس از جرم تقاضای افراد برای کیفر سنگین مرتکبان را بالا می‌برد و آنها چنین می‌پندارند که مجازات سنگین می‌تواند عامل مهمی جهت پیشگیری و حذف پدیده جنایی باشد. (نیکوکار و همت‌پور، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۸) از آنجا که این یافته‌ها نشان می‌دهد میزان ترس از جرم و احساس ناامنی با جنسیت افراد سروکار دارد پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان بیشتر از مردان از جرم می‌ترسند (Lee,2007:116) این حس ترس بر عملکرد روزانه آنها تأثیر و میزان حضور خود را در جامعه کمتر می‌کنند. (Sanderrson :6) از نظر نویسنده همانطور که می‌دانیم قلب عاطفی و محور مهربانی خانواده مادر می‌باشد اگر مادر روح و روان سالم و آرامی داشته باشد به طبع آن می‌تواند آرامش را به سایر اعضای خانواده منتقل کند اما اگر مادران (زنان جامعه) دایم دچار حس ترس و ناامنی از مشکلات باشند، دایم در منزل باشند و حالت انزوای اجتماعی داشته باشند، دایم نگران اعضای خانواده باشند و... نه تنها نمی‌توانند انتقال محبت و آرامش دهند بلکه با نارامی خود سبب ایجاد خانواده متشنج هم می‌شوند. در حالی که در راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر نظارت بر رفتار مردم هم توسط نیروهای امنیتی و انتظامی در جامعه صورت می‌گیرد هم توسط افراد جامعه نسبت به یکدیگر، یعنی مردم بدون اینکه هیچ‌اهرم قدرت و فشاری وجود داشته باشد در صورتی که کسی را ببینند که کار اشتباهی را انجام می‌دهد می‌توانند به لحنی دوستانه او را رهنمایی کنند و این امر سبب ایجاد حس مودت و دوستی و برادری می‌شود و بازتاب درونی موثرتر جهت عدم ارتکاب مجدد جرم برای مرتکب دارد. لذا استفاده از مشارکت شهروندان بویژه در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد از چند جنبه سبب کاهش ترس از جرم و موثر در پیشگیری از جرایم است اولاً جنبه تحمیلی و مداخله‌ای ندارد و از بطن جامعه سرچشمه می‌گیرد پس قبول آن از نظر طرف مقابل راحت‌تر است ثانیاً حضور مردم در جامعه سبب ایجاد حس یگانگی و وحدت می‌گردد ثالثاً حضور مردم در جامعه سبب از بین رفتن حس بی‌تفاوتی و دلسردی نسبت به جامعه و دیگران می‌گردد و هر فرد خود را در برابر اطرافیان خود مسئول می‌داند.

۲. طبق تئوری پنجره‌های شکسته بی‌نظمی حتی اگر کوچک باشد اگر با آن مقابله نشود سبب جرایم بزرگتر می‌گردد در حالی که از نظر جرم‌شناسان و اینجانب رابطه مستقیم بین بی‌نظمی و ایجاد جرم به اثبات نرسیده ثانیاً اگر راهبرد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اجرا گردد هرگاه بی‌نظمی کوچکی در سطح جامعه محله و غیره ایجاد شود صرفاً با تذکر لسانی به راحتی می‌توان آن بی‌نظمی را بر طرف نمود و نیازی به حضور پلیس و اعمال خشونت آمیز نمی‌باشد. مانند نزاعی بین دو نفر که وقتی صورت می‌گیرد سایرین با مداخله و آرام ساختن طرفین با بیانی آرام آنها را به صلح و دوستی دعوت نموده و حتی در آخر آن دو صورت یکدیگر رامی‌یوسند و بالبخند از هم خداحافظی می‌کنند حال در اینجا نیاز به حضور پلیس و خشونت و غیره می‌باشد؟

۳. در تئوری پنجره های شکسته با ایجاد هرگونه جرم و بی نظمی سریع پلیس حاضر شده فرد یا افراد را دستگیر میکند، به زندان میبرد، سابقه کیفری ایجاد میکند، در زندان فرد با مجرمین جرایم متعدد آشنا میشوند و آنچه که یاد نگرفته بودند را هم یاد میگیرند، دادگاه و دادرها مملوء از جمعیت میگردد و در نهایت شخص که ازاد میشود چون دارای سابقه کیفری شده است در اجتماع جایگاهی ندارد میخواهد استخدام شود بخاطر سابقه کیفری ایجاد شده نمیتواند و به او کارنمیدهند، در جامعه بیکار میگردد، دچار فقر میشود و در نهایت مجدد برای گذران زندگی خود مجبور است به هرکاری حتی جرم دست بزند و این سیکل مذکور مجدد تکرار میشود درحالی اگر راهبرد امر به معروف و نهی از منکر در برابر چنین شخصی صورت میگرفت چه بسا هیچ وقت مجبور به زندان رفتن نمیشد و باهمان تذکر دوستانه متوجه عمل خود میشد و خود را صلاح میکرد.

۴. در این تئوری حضور نیروهای پلیس و انجام اقدامات پیشگیرانه مستلزم هزینه های فراوان است کنترل مستمر و همه جانبه پلیس برای مقابله با جرائم خرد ضروری نیست و هزینه ها و تبعات چنین اقدامی با منافع حاصل از آن در بسیاری موارد مطابقت ندارد فقط با کنترل هوشمند پلیس و حضور در نقاطی که احتمال ارتکاب جرم بیشتر باشد راهگشا خواهد بود اما با اجرای راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر با کمترین هزینه سبب ایجاد نظم و امنیت در جامعه میشویم

۵. در این تئوری صرفا به انجام نظارت جهت عدم انجام جرایم و بی نظمی ها توجه دارد و هیچ توجهی به این ندارد که چکار کند تا اصلا جرم و بی نظمی ایجاد نشود در حالی راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر ابتدا از بروز هرگونه جرم و بی نظمی پیشگیری میکند یعنی جلوی ایجاد علت را میگیرد تا معلول حاصل نشود مثلا با تدابیری که دارد از بروز جرایم اقتصادی پیشگیری میکند وقتی مشکلات و جرایم اقتصادی در جامعه وجود نداشته باشد به طبع آن نیز فقر وجود ندارد و به دنبال عدم وجود فقر جرایمی کوچک و بزرگ همچون سرقت ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری محقق نمی شود در واقع ریشه علت جرایم را میخسکاند تا خود جرایم که معلول هستند رشد نکند.

۶. صرف دستگیری و اعمال قانون توسط پلیس در برخورد با جرایم خرد کارساز نیست بلکه باید در یک اقدام همه جانبه دستگاههای دیگر نظیر تامین اجتماعی، شهرداری، دادگستری نیز اقدامات بعدی را در جهت توانمند سازی، مشاوره افزایش مهارت های زندگی در مرتکبین اینگونه جرایم ایجاد کنند. همچنین برخی موسسات خصوصی میتوانند در کنترل جرایم خرد با پلیس همکاری نموده یا نقش واسطه داشته باشند مانند موسسات نگهداری خصوصی

دین به خصوص اسلام به عنوان یکی از عوامل موثر در مقابله و پیشگیری از جرائم دارای عناصر پیشگیری با اهمیتی است که در جرم شناسی باید مورد توجه قرار گیرد. دین مبین اسلام برای پیشگیری از وقوع جرائم و پاک و منزه ماندن جامعه از پلیدی‌های راهکارهایی را معرفی می‌نماید که اگر افراد جامعه به این امور پایبند باشند و به آن‌ها باور داشته باشند از جرایم بسیاری پیشگیری می‌شود. پیشگیری از جرم در برگیرنده مجموعه تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی از ارتکاب بزه جلوگیری می‌کنند. وقتی با نهاد امر به معروف و نهی از منکر روبه رو می‌شویم اولین چیزی که به ذهن ما خطور میکند این است که این نهاد بدنبال ایجاد مزاحمت و دخالت در امور دیگران می‌باشد و یا صرفاً اختصاصی به موضوعاتی همچون بحث حجاب می‌باشد حال آنکه این نوشتار مشخص گردید این راهبرد اختصاص به موضوع خاص نداشته و راهبردی است که با اجرای درست آن میتوان کار کرد های جرم شناختی که نظریه های دیگر به دنبال اجرای آن در جوامع خود برای پیشگیری از جرایم هستند را در آن دنبال کرد این نظریه بخاطر تکیه بر مبانی اسلامی علاوه بر اینکه ویژگی های نظریه های جرم شناسی را دارد انتقادات را رد و به آنها نیز پوشش داده و برنامه کاملی برای مبارزه با پدیده جرم در جامعه ارائه مینماید این نهاد از طریق اثر گذاری روی بینظمی های کوچک در راستای مبارزه با جرایم ، استقرار نظام کنترل اجتماعی در جامعه ایجاد اختلال در فرایند یاد گیری جرم جلوگیری از معاشرت های منجر به جرم در راستای برخورد با پدیده جرم اصلی ترین نهاد در سیاست جنایی اسلام محسوب میشود ، از طرف دیگر این کارکرد ها را میتوان در نظریاتی همچون تئوری پنجره های شکسته مشاهده کرد با این تفاوت که این تئوری با انتقاداتی مواجه شده و نقایصی در آن وجود دارد در حال که با اجرای صحیح این راهبرد و با توجه به مبانی که دارد میتواند مشکل اساسی جرم را در جوامع حل نموده و نقایص نظریه های دیگر را هم نداشته باشد. اما تئوری پنجره های شکسته غالباً به این موضوع پرداخته که باید با اولین بی نظمی مقابله کرد و اولین پنجره شکسته را ترمیم کرد ولی صراحتاً نگفته چه کنیم تا اولین پنجره شکسته نشود و این یعنی مبارزه با معلول لزاماً مبارزه با متکدیان و لگردان فقر را از بین نخواهد برد و تا فقر هست عوارض ناشی از آن نیز هست نکته مهم دیگر اینکه در نظریه پنجره های شکسته این است انحراف و جرم همیشه دارای بار منفی می‌باشد و در صورتی که مدام به سرکوب با بی نظمی پرداخته شود و اعمال خشونت نمود قبح خیلی از مسایل که میشد با گفتگو حل شود ریخته میشود و این خود سبب ایجاد تخریب بیشتر و وقوع جرایم خطرناک تر میگردد.

در آخر باید یاد آور شد که فقه جزایی اسلام همواره بر این موضوع تاکید شده است که هرگز معصیت را هر قدر که کوچک است نباید ناچیز پنداشت چون عادت و اصرار بر آن انسان را از عدالت خارج خواهد کرد اهمییت به مستحبات و مکروهات و پابندی به آنها نشان از توجه به روحیه پرهیزگاری و خود سازی درونی برای دوری از گناهان می‌باشد لذا آموزه های فقه جزایی اسلامی از لحاظ جامعیت غنی بودن و تاکید فراوان بر عوامل بازدارنده درونی به جای تکیه بر بازدارنده های بیرونی قابل مقایسه با هیچ یک از مکاتب دیگر نمی‌باشد .

۱. قران کریم

۲. نهج البلاغه، دشتی، محمد، روات و محدثین نهج البلاغه، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۷۸

۳. حقوق و سیاست در قران، مصباح یزدی، حقوق و سیاست، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی، قم، ۱۳۷۷

۴. پایان نامه سیاست جنائی در جرایم خرد و اثیر آن بر احساس امنیت شهروندان با تکیه بر نظریه پنجره های شکسته، نوروزی، نادر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴

۵. ولد، جرج، جرم شناسی نظری، علی شجاعی، تهران، سمت، ۱۳۹۲

۶. حاجی ده آبادی، محمد علی، " امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی " فقه و حقوق، شماره ۱ (تابستان ۱۳۸۳) ۷۷-۱۰۸

۷. مجلسی، محمد باقر، (علامه)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، جلد ۷۴، بیروت، الاسلامیه، ۱۳۹۳

۸. مطهری، مرتضی، امر به معروف و نهی از منکر، تهران، بینش مطهر، ۱۳۹۱

۹. مالک، رامین، عمران، سلمان، " بررسی کارکردهای نهاد امر به معروف و نهی از منکر از منظر نظریه های جرم شناسی، دوفصلنامه حقوقی گواه، شماره ۲، پاییز و تابستان ۹۸

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳

۱۱. نیکوکار، حمیدرضا، همت پور، بهاره ترس از جرم، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش

۱۲. محسنی، مرتضی، پاسخ هایی به خشونت، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸ ش

۱۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، حمید، هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰ ش

۱۴. علیخواه، فردین، مریم نجیبی ربیعی، " زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری "، نشریه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵ ش

۱۵. غلامی، حسین، " ترس از جرم و سیاست جنایی "، نیکوکار، حمید رضا و ۱۶. بهار همت پور، ترس از جرم، تهران ف میزان، ۱۳۹۱ ش

۱۷. ویلسون، جیمز و جرج کلینگ (۱۳۸۲) "نظریه پنجره های شکسته" ترجمه محمد صدری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۴۳: (۲۰۴-۱۷۹)

18-Warr,Mark,"Fear of Crime in the United States : Avenues for Research and police " Criminial Justik , Vol . 4 ,2000

19-Lee , M ., Inventing Fear of Crime ,Criminology and the politics of Anxiety . Cullompton Willan ,2007

20-Sanderson , Jennifer , Fear of Crime , Literature Review of the Queensland Government Senior Task Force , Availabale at : hatt : // police . qld . gov .au /Resources / internet / programs / seniors / documents / appendix A .pdf /

21-Allison T .chappell , Elizabeth Monk Turner , Brian K payne (2010) Broken Windows or window Breakers : The Influence of physical and Social Disorder on Q ality of Life Justice Quatledge , Published online

22-McArdle , Andrea Erzen , " Tanya (2001) Turnstile Jumpers and Broken Windows : Policing Disorder in New York City , Zero Tolerance " Quality of life and the New Police Brutality in New York City 5 : 19-49